پیشخوان

گذری و نظری بر اثر «زندگی حکیم جهانگیرخان قشقایی»

ز نقش خیال او...

نیما احمدپور

سر خاک شد و نقش خیال تو نرفت
خون گشت دل و شوق وصال تو نرفت
هر چند ز هجران تو زنگار گرفت
ز آئینه دل عکس جمال تو نرفت
«فیض کاشانی»

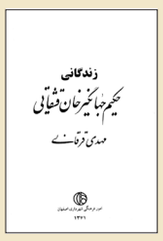

تاریخ را فواید بی‌شمار است. می‌توان از تاریخ درس سیاست، اخلاق، تجربه‌های علمی، عبرت و شناختن در زمینه‌های عقیدتی آموخت. اصولاً حیات هر اجتماع در ادامه مسیری است که طی کرده است و تجزیه و تحلیل مسائل آن جامعه بدون در نظر گرفتن مقاطع تاریخی‌اش میسر و صحیح نیست. متأسفانه این علم پربار در میان مسلمین مدت‌ها منزوی شده بود و از همان زمانی که ما تاریخ را فراموش کردیم به خودگمگشتگی دچار شدیم. بنابراین بازگشت به خویشتن هم بدون مراجعه به تاریخ خویش میسر نیست. برای ملتی که هویت خود را فراموش کرده و دچار از خود بیگانگی شده است باید او را به سوی گذشته‌اش توجه داد و هویت، مجد و عظمت گذشته‌اش را یادآور شد. باید چنین ملتی تار و پود راهی را که درنوردیده است، بازشناسد تا مکان و موقعیت فعلی‌اش را برای رفتن به سوی آینده‌ای روشن درک کند. تاریخ فرهنگ ایران از جمله تواریخ ناشناخته و مظلومی است که بیش از هر کس استعمارگران برای مطامع خویش بدان پرداخته‌اند. این تاریخ معماران فراوانی دارد که برج و باروی آن را ساخته و پرداخته و پرچم آن را با عصاره وجودی خویش در اهتزاز نگه داشته‌اند، اما همچون سربازانی گمنام رخ در نقاب خاک کشیده‌اند. شناخت اصولی و دقیق این معماران فرهنگ و ادب نه تنها بدان لحاظ که مربیان ما بوده‌اند ضرورت دارد، بلکه حیات تک‌تک آنها درس آموز و موجب بصیرت و رشد انسانی است. در راستای ارزش تعالی‌بخش علم تاریخ و شناخت چهره‌های ارزشمند فرهنگ خود و مراجعه به گذشته برای بازیابی هویت خویش، بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی دفتر اصفهان تلاش کرده است با کمک محققین و اندیشمندان قدم‌های مثمر ثمری بردارد، بدیهی است

باید چهره‌های مهم صد ساله اخیر اصفهان، شخصیت‌ها و جریاناتی را که کمتر به آنها پرداخته‌اند در اولویت قرار دهد. یکی از چهره‌های بارز حکمت، فلسفه و استاد عظیم‌الشأن علمای متأخر، حکیم جهانگیرخان قشقایی است. کسی که بارها در کتب مختلف نامی از او به میان آمده است، ولی تحقیق مجزایی درباره این مرد بزرگ یافت نمی‌شود. یقیناً اگر این حکیم بزرگوار در کشمکش‌های سیاسی قرن حاضر حتی از سرمنزل جیره‌خواری از کوزه استعمارگران نقش داشت، درباره او کتاب‌ها یافت می‌شد، اما باید دانست آن هنگام جامعه ما علم را ارج خواهد نهاد که هر کس که در آن قدمی برداشت محترم شمارد، به او تأسی جوید، برای زندگی او ارزش قائل شود و در ماده و معنی ارج نهد. آیا تا زمانی که معماران علم، ادب و فرهنگ در این کشور مهجور می‌مانند، باز می‌توان امیدوار بود که راه رشد و کمال گشود و روندگان این راه فراوان باشند؟ و آیا رکود در پیشرفت در نتیجه این بی‌توجهی‌ها نیست؟

بی‌تردید لازم است که سخن از مردان ارزشمندی به میان آید که گام‌های مؤثری در این راه برداشته‌اند. حکیم قشقایی یکی از این شخصیت‌هاست. ارزش حکیم وقتی به‌خوبی مفهوم می‌شود که گفته شود پس از وفات وی و رفیق شفیقش آخوند کاشی حوزه علمیه اصفهان راه افول پیمود و تنها چند صباحی درخشش‌هایی از شاگردان او دیده شد، ولی حقیقت این است که پس از آنها دیگر مجد و عظمت گذشته خویش را بازنیافت. کسانی که او آخرین حلقه از سلسله حکما و علمای بزرگی هستند که سلسله طلایی ملاصدراها، مجلسی‌ها، میرداماد‌ها و حاج کلباسی‌ها حلقه‌های آن را تشکیل دادند و به جهانگیرخان ختم شد. زحمت تحقیق پیرامون این مرد بزرگ را محقق ارجمند جناب مهدی قرقانی روحانی فاضل و باهمت به عهده داشته‌اند. ایشان با کند و کاوهای محققانه خود طی مدتی نسبتاً طولانی سعی کردند همه ابعاد زندگی مرحوم قشقایی را روشن سازند. ارزش زحمت این کار تنها برای کسی روشن است که خواسته باشد با تفحص در کتابخانه‌های اصفهان، قم، تهران و سایر نقاط جمله جمله نوشته خود را از دل کتاب‌ها استخراج و ابعاد وجودی گمشده خویش را ذره ذره از میان خروارها کتاب ترمیم کند. ناگفته نماند قلم و جهت دید نویسنده این کتاب متوجه جنبه‌های عرفانی و اخلاقی مرحوم جهانگیرخان بوده و شخصیت وی را از این زاویه بررسی کرده است. امتیاز مهمی که این نوشتار علاوه بر روشن کردن زندگی مرحوم قشقایی دارد این است که در مجموع دوره‌ای از حوزه علمیه، محفل و شبکه‌ای از اساتید، دوستان و شاگردان وی را ترسیم و روشن می‌کند. به همین دلیل می‌توان آن را به عنوان یک منبع و مأخذ برای مراجعه محسوب کرد.

اگر فضای مجازی به شیوه و سرعت و بدعتی که اکنون هویدا شده است، طی طریق کند و فاقد مدیریت فرهنگی باشد، جامعه را دچار یک «انزوای جمعی» می‌کند! غربتی را در دل یک خانواده سبب می‌شود که به‌رغم همه قرابت‌های ظاهری و فیزیکی، نزدیکی فکری و معنایی خانواده را از بین خواهد برد. به عبارتی ارائه این رویه «مهندسی افکار» اعضای خانواده و بخصوص فرزندان را از عهده پدر و مادر خارج کرده، به گونه‌ای که نمی‌دانیم هر یک در کدام عالَمی و با چه آدمی سیر می‌کنند و تحت تعلیم کدام افکار قرار می‌گیرند!

فضای مجازی، مشاغل کاذب زنان و پیامدهای فاجعه‌آفرین آن در گفت‌وگوی «جوان» با مریم ملک‌پور

فضای مجازی جامعه را دچار انزوای جمعی کرده است

شهین اصلانی / سمانه صادقی

این روزها جامعه ما دستخوش آسیب‌هایی چند است، بدین معنی که ما در فضای «وفور و عافیت» به سر نمی‌بریم بلکه زندگی ما در میانه «کمبود و ضرورت» است و بی‌تردید اولویت ما برای اصلاح ساختار اجتماعی و ایجاد فضای امید و اعتماد، حراست و حفاظت از نظام خانواده است. ما امروز در اجتماع خود با چالش‌هایی مواجهیم که باید با اتکا بر آموزه‌های فرهنگی غنی خویش و نیز کاملاً محققانه و عالمانه، به چاره‌اندیشی آنها بپردازیم، نه اینکه از روزنه جزیره‌های کوچک، همه دنیا را بنگریم و به قضاوت بنشینیم چرا که ماحصل این سیاق ناصحیح، چیزی جز غفلت‌هایِ بدون غرض ما در اصلاح جامعه نخواهد بود که دقیقاً همان نتیجه‌ای را حاصل می‌کند که نقشه‌های دقیق برای ویرانی جامعه آن را پی گرفته است! به گفته یک شاعر اتریشی «مادربچگی شوخی شوخی به قورباغه‌ها سنگ می‌انداختیم و آنها شوخی شوخی می‌مردند.» بی‌شک در اصلاح جامعه از بدی‌ها و زشتی‌ها، باید راه هرگونه عذر را به خاطر نتایج ویرانگر جهل و غفلت ببندیم و با استفاده از تحقیقات، مشاهدات، بایسته‌ها و ارزش‌های اصیل مکتب‌مان، به پالایش جامعه از انحرافات بپردازیم. قطعاً اصلاح و بهبود ساختارهای فرهنگی خانواده، امری است که در اصول دینی و ملی ما نیز بر آن تأکید شده است. در مصاحبه پیش رو، در بررسی آسیب‌های خانواده امروز، با مریم ملک‌پور آینده‌پژوه فضای مجازی و پژوهشگر مسائل زنان که عنوان گوینده برتر بحران کشور و پژوهشگر سیاسی رسانه را در پرونده خود دارد و مدیر مسئول مؤسسه مُلک سخن نیز می‌باشد به گفت‌وگو نشسته‌ایم که در ذیل می‌خوانید.

از منظر شما، آسیب‌های امروز خانواده‌ها که نهایتاً جامعه ما را دستخوش تغییرات ناخوشایند می‌کند، چه مواردی هستند؟

به نام خدا. این مقوله قطعاً از دیدگاه‌های مختلف و آسیب‌های خرد و کلان وارده آن به نهاد خانواده و جامعه قابل بحث و بررسی است ولی بنده به دو مورد که مبتنی و مستند بر پژوهش‌های اخیرم هست، اشاره می‌کنم. آسیب اول را کارکرد ناصحیح «فضای مجازی» در محیط خانواده و آسیب دوم را تبلیغات افراطی برای «برون‌رفت زن» از فضای خانواده به محیط بیرون از منزل می‌دانم که تحقیقات اخیر نشان‌دهنده کنشگری اغلب ناآگاهانه زنان در جامعه ما به سمت عملی شدن نظریه‌های فمنیستی است که البته این دو معضل مدت‌هاست در کانون خانواده‌ها رخنه کرده است و مسئولان و اعضای خانواده باید به جد برای جلوگیری از آسیب‌های مهلک آن در آینده برنامه‌ریزی کنند.

در نگاه کلی، فضای مجازی که از منظر شما جزو آسیب‌های اجتماعی اکنون و آینده ماست، دارای چه مزایا و معایبی است؟ این تکنولوژی چگونه اثرات مخرب خود را بر زندگی ما خواهد داشت؟

می‌دانید که تکنولوژی فی‌نفسه دارای عیوب نیست، بلکه صرفاً یک ابزار است. نوع نگاه و چگونگی استفاده از هر ابزاری، وجود معایب و مزایای کارکردی آن را هویدا می‌کند. اتفاقاً فضای مجازی بستری عظیم و مؤثر در ایجاد ارتباط همگان، فراتر از مرزهای جغرافیایی ایجاد کرده است که بنده معتقدم ابزاری کارآمد و با شتاب اثرگذاری بسیار است، اما آنچه را به منزله آسیب‌های وارده این فضا به بدنه خانواده می‌دانم، نبود یا کمبود فرهنگ صحیح استفاده از آن است.

به عنوان مثال در بعد اقتصادی ایجاد بستر تجارت الکترونیک، مبادلات بانکی، نحوه تبلیغات و غیره، دریچه تازه‌ای از اقتصاد را به روی جهانیان گشوده است ولی همین بستر می‌تواند با قدری غفلت و عدم امنیت، خطاهای مبادلاتی و معاملاتی بسیاری را به همراه داشته باشد.

از منظر سیاسی، فضای مجازی نوعی ذهنیت «تقابل با حاکمیت» کشورها را فراتر از مرزهای جغرافیایی و شخصیتی، ایجاد کرده است که کشورها چه استقلال‌طلب باشند و چه استبدادطلب، خواه ناخواه در جریانِ حق و ناحق گفتمان‌های تقابلی و تعاملی این فضا قرار می‌گیرند و به نوعی، کارزاری نرم در قلب هر حکومتی در حال تپیدن است. فضای مجازی در بستر اجتماعی نیز، نوعی تغییر الگوی سبک زندگی را سبب شده است که اثرات آن را می‌توان به وضوح در تغییرات فرهنگی منبعث از این رویدادِ نوپدید مشاهده کرد. مسائلی نظیر تغییر، حذف یا تلفیقِ فرهنگ‌های متفاوت و یا حتی متناقض، همچنین تغییر در سنت‌ها، قواعد ملی و امثالهم از مصادیق این اتفاقات است. حتی این تغییر سبک زندگی در ساعات خواب و بیداری افراد، اثرات خود را نمایان کرده است به گونه‌ای که نسبت به گذشته، افزایش ساعات بیداری در شب در اکثر جوامع و رفتارِ افراد استفاده‌کننده افراطی و بدون برنامه از این فضا دیده می‌شود. «دین‌باوری و دین‌ستیزی» از دیگر مباحثی است که در فضای مجازی دستخوش تغییرات نوپدیدی شده است. همه ادیان به نوعی در تلاطمات، تزلزلات، تغییرات و خرافات دست و پنجه نرم می‌کنند و خاصه این بستر در فضای مجازی کشورهایی که از آزادی بیان کمتری برای رفع ابهامات و نیز آزاداندیشی در این حوزه‌ها برخوردارند، مشهودتر است. چنانچه این پدیده به درستی مدیریت نشود، صدمات و لطمات غیر قابل جبرانی را به این بخش از باورها و ارزش‌های فرهنگی-مذهبی جوامع، خاصه جوامع مبتنی بر دین وارد می‌کند. در مجموع باید گفت اگر این رویه، به شیوه و سرعت و بدعتی که اکنون هویدا شده است، طی طریق کند و فاقد مدیریت فرهنگی باشد، جامعه را دچار یک «انزوای جمعی» می‌کند! غربتی را در دل یک خانواده سبب می‌شود که به‌رغم همه قرابت‌های ظاهری و فیزیکی، نزدیکی فکری و معنایی خانواده را از بین خواهد برد. به عبارتی ارائه این رویه «مهندسی افکار» اعضای خانواده و به‌خصوص فرزندان را از عهده پدر و مادر خارج کرده، به گونه‌ای که نمی‌دانیم هر یک در کدام عالَمی و با چه آدمی سیر می‌کنند و تحت تعلیم کدام افکار قرار می‌گیرند! قصد محکومیت فضای مجازی در ایجاد آسیب‌های اجتماعی را ندارم ولی اکیدا توصیه می‌کنم اگر این فضای مجازی با اختصاص ۶۵ درصد جمعیت کشور به خود، به صورت کاربر مستقیم و تبعات غیرمستقیم آن مدیریت فرهنگی درون خانوار نشود و از منظر عملکرد اجتماعی یکسره به جای روشنگری و آگاهی‌بخشی منطقی اذهان عمومی از رویکردهای مخفی و منفی مجازستان، صرفاً به فیلترینگ و منع‌های قانونی استفاده از آن بپردازیم می‌تواند به عنوان یک ابزار پیش‌برنده و کاتالیزور به تشدید آسیب‌های اجتماعی مدیریت نشده کمک کند. آسیب‌هایی نظیر افزایش آمار طلاق، روابط ناصحیح، فرهنگ‌سازی‌های خطا، هدررفت زمان و غیره که یقیناً کاربران محترم به خوبی اشراف دارند.

آینده‌پژوهان و برنامه‌ریزان حاذق بر اساس سه رکن شرع، قانون و عرف اجتماعی هر جامعه‌ای، چشم‌انداز و برنامه می‌نویسند. لذا اشتغال زن باید در خدمت نهاد خانواده باشد، نه در تعارض و تقابل با آن. اشتغال زن وقتی ارزشمند است که آمار کار کیفی بالایی را به خود اختصاص دهد، نه افزایش آمار کمی تعداد زنان شاغل را

از منظر شما برای مقابله با این وضعیت چه باید کرد؟ راه‌های مواجهه با این فرآیند خطرآفرین چیست؟

یقیناً در شریط کنونی، اولین گام آسیب‌شناسی و بررسی معضلات زمان حال است تا با توجه به این روندها، آینده‌نگری و آینده‌پژوهی‌های مبتنی بر علم و به دور از تعصبات انجام شود و بتوان چشم‌انداز بلند فرهنگی استفاده از این فضا و موارد احتمالی دیگر را تعریف و پیاده‌سازی کرد که این مهم بر عهده مسئولان ارشد جامعه است ولی در کنار این مسئولیت مهم اجتماعی، خانواده‌ها نیز نباید در انتظار اقدامات جامعه و نهادهای دولتی جهت بهبود و اصلاح باشند، بلکه باید خود به عنوان اولین نهاد اجتماعی هدفمند «مدیریت فرهنگی فضای مجازی خانواده» را همانند سایر موارد تربیتی و آموزشی بر عهده گیرند که به طور قطع و یقین، با توجه به اثرات نزدیکیِ عاطفی مادر با فرزند، عمده این فرهنگ‌سازی بر عهده مادران و البته اعضای آگاه خانواده است تا مانع از وجود چند فرهنگی در خانواده شده، تهدیدات بالقوه این تکنولوژی را خنثی کرده و بدون اغراض و تعصب و با تمهیدات و تدابیر، مرزهای فرهنگی و ارزشی و اخلاقی خود و خانواده را حفظ کرده، رویه‌های «انفعال فرصت‌سوز» را به «فعالیت‌های فرصت‌ساز» بدل کنیم.

بسیار خب و اما مخاطره دومی که از آن به «برون‌رفت زن از خانواده» یاد کردید. لطفاً در این خصوص توضیح بفرمایید. این آسیب چگونه ایجاد می‌شود و توسعه پیدا می‌کند؟

ببینید، زن به عنوان کلیدی‌ترین عضو در مهم‌ترین کانون اجتماعی که خانواده است، ایفای نقش می‌کند. رخدادی که چند صباحی است شروع شده و در شرف وقوع بحران است و با عناوین مختلف نظیر تساوی حقوق زن و مرد، رشد اجتماعی زن، حقوق بشر و غیره مورد تبلیغات افراطی هم قرار گرفته است، دور کردن زن از کانون گرم خانه است که من آن را «برون‌رفت زن» از قلب خانواده نام گذارده‌ام! به اعتقاد بنده این مهم اگر مدیریت نشود، به یک بحران اساسی در آینده‌ای نه چندان دور بدل می‌شود که اگر استفاده ناصحیح فضای مجازی را نیز به آن بیفزاییم «مرگ خاموشی» را برای خانواده به همراه خواهد داشت. به نام «رشد اجتماعی» زن را به بیرون از خانه دعوت می‌کنند، غافل از آنکه اجتماعی شدن و رشد حاصل از آن، لزوماً حضور در کوچه و خیابان نیست! ما زنان فرهیخته بسیاری داشتیم و داریم که با بیشترین حضور در کانون خانواده به بزرگ‌ترین بالندگی‌های اجتماعی رسیده‌اند. از نمونه‌های شاخص این زنان با توجه به محدودیت‌های زمانه‌شان می‌توان از مرحومه مجتهده بانو علویه همایونی ۹۹ ساله و مرحومه مغفوره دکتر مهدیه الهی قمشه‌ای نام برد که فقط چند روز از درگذشت آنان گذشته است. زن امروز می‌تواند با اولویت قراردادن خانواده و اتفاقاً با استفاده از کارکرد مثبت همین ابزار مدرن مجازی و حضور مثمر در خانه و بجا و مؤثر در جامعه به رشد و بالندگی خود کمک کند. به نام «استقلال مالی» زن را به هر محیط کار سالم و ناسالمی رهنمون می‌کنند، غافل از آنکه اگر حقوقی که اسلام برای زن قائل شده است بر اساس شرع و اجرای صحیح قوانین لحاظ شود، هیچ زنی بی‌سرمایه نیست. برداشت خطا نکنیم؛ بنده با اعتقاد وافر به توانمندی‌ها و پتانسیل‌های بانوان، هیچ‌گونه مخالفتی با کار فراخور شأن زن در محیط سالم ندارم، ولی معتقدم «هر زنی نمی‌تواند شاغل باشد و هر شغلی مناسب هر زنی نیست.» بگذریم از اینکه در بعضی مشاغل هم، به طور کلی زیرساخت و فرهنگ فعالیت بانوان در کشور ما لحاظ و در پاره‌ای موارد تعریف هم نشده است. با توجه به اینکه زن محور خانواده و پرورش‌دهنده معنوی نسل آینده جامعه است ولی نتایج پژوهش‌ها مؤید این واقعیت است که زن امروز با تبلیغات ناصحیح ولی نرم و فریبنده در مسیر دوری و بی‌توجهی از رسالت اصلی خویش در قالب‌های اشتغال و درآمدزایی و امثالهم قرار گرفته است و بُعد مهم تربیتی آیندگان که قاعدتاً باید دغدغه خاطر برنامه‌ریزان کلان و فهیم هر جامعه‌ای باشد از نظر مغفول مانده که بنده کوتاهی در این امر را در نگاه کلان بر عهده مسئولان بی‌مسئولیت و در نگاه خرد علاوه بر زنان بر گردن پدران و مردان بی‌درایت می‌گذارم. در مجموع اگر زن در جایگاه شغلی واقعی خود قرار بگیرد و از این اشتغال آسیبی متوجه خانواده نشود مایه فخر و مباهات است، ولی وقتی قرار است در مشاغل مدیریتی و کلان و تصمیم‌ساز و کارشناسانه و امثالهم یا به واسطه عدم توانمندی‌ها یا تسخیر آن توسط مردان، زنان فاقد سهم یا واجد سهم کمی باشند، پس بهتر است به واسطه اتخاذ شغلی سخیف و دستمزدی اندک بیگاری نکنند و به این «بردگی مدرن» تن در ندهند. اما نکته دیگر اینکه متأسفانه اخیراً دیده می‌شود گروهی با شعار استقلال مالی زنان، تأمین بخشی از معیشت خانواده را بر عهده زنان گذاشته‌اند تا جایی که این رویه خطا به عنوان یک وظیفه قلمداد شده است که به گمانم این، بیشتر طمع‌ورزی و سوءاستفاده از هویت زنانه است. این نوع نگاه‌های نابخردانه و گاه مغرضانه اگر مدیریت فرهنگی نشود، چیزی جز تزلزل اصلی‌ترین کانون اجتماعی و نابودی آن دربرندارد و یکی از بزرگ‌ترین آسیب‌های خانواده در آینده‌ای نزدیک به شمار می‌آید. از سوی دیگر جبر تنگناهای اقتصادی که امروزه دامنگیر معیشت خانواده شده و زنان به ویژه زنان بدسرپرست یا بی‌سرپرست را وادار به فعالیت اقتصادی اجباری کرده است مقوله مهم دیگری است که ضرورت برنامه‌ریزی و احقاق حقوق بانوان از سوی مراجع ذیربط را طلب می‌کند.

خانم دکتر، ممکن است تعدادی از مدافعان کار زن در بیرون از منزل، شما را به نقض حقوق زنان و عدم اعتقاد به حق این بخش از جامعه در نقش آفرینی اجتماعی متهم کنند. مدافعان تساوی حقوق زن و مرد هم در این میان جای خود را دارند! برای این گروه چه توضیحی دارید؟

البته که من برای جمیع نظرات احترام قائلم و اصولاً معتقدم اختلاف نظر بدون تعصبات بی‌منطق، موجب رشد است ولی اتفاقاً بنده به چیزی برعکس آنچه ممکن است برداشت شود اعتقاد دارم. کسی که مدافع حقوق زنان است، به خوبی می‌داند که عرایضم، نقض حقوق بانوان نیست. می‌داند که نگران تغییر نگاه، از هویت ارزشمند زنانگی زن به سمت نگاه شیء وارگی به زن هستم. می‌داند که این بیگاری‌های زنانه که باب شده است، اشتغال کاذب و به نوعی تخریب هویت، شوکت، سلامت، صلابت و عزت زن را به همراه دارد. و اما در خصوص مورد دوم عرض کنم که اتفاقاً با تساوی حقوق زن و مرد مخالفم! چون بین زن و مرد در خلقت هم تفاوت هست. که البته به فرمایش استاد شهید آیت‌الله مطهری، تفاوت بین زن و مرد «تناسب» است، نه نقص و کمال. پس جایی که تفاوت هست، برقراری مساوات، عدالت نیست. توجه داشته باشید اینجا از تفاوت صحبت می‌کنم نه تبعیض. به فرمایش مولای متقیان علی (ع): عدالت مفهوم آشکار «مایلیق» است. یعنی به هر کس به قدر لیاقتش بها داده شود و چه بسا وقتی در مورد زن و مرد رعایت مساوات شود، عدالت اجرا نشود چرا که ممکن است زن حق بیشتری نسبت به مرد داشته باشد و تساوی حقوق، ظلم جلی باشد.

خب اینجا یک سؤال مطرح می‌شود و آن اینکه چرا در کشورهایی نظیر غرب که دم از دفاع از حقوق زن و بشر می‌زنند، زنان همپای مردان در محیط بیرون از منزل کار می‌کنند و اتفاقاً توسعه یافته هم هستند؟

سؤال بجایی پرسیدید. اتفاقاً صدراعظمی خانم مرکل، نخست‌وزیری خانم ترزا مِی، کاندیداتوری ریاست جمهوری خانم کلینتون و نمایندگی عالی اتحادیه اروپا در سیاست خارجه و امور امنیتی توسط خانم‌ها کاترین اشتون و فدریکا موگرینی و نمونه‌هایی از این دست در غرب، دنیا را به این باور رسانده است که زنان می‌توانند زمام امور را در دست گیرند و به خوبی هم مدیریت کنند و اتفاقاً بنده در عرایض قبلی هم به این نکته اشاره کردم که به توانمندی‌ها و شایستگی‌های زنان اذعان و وقوف دارم و حتی به بی‌توجهی مسئولان کشورم در عدم به‌کارگیری اشتغال «کیفی» بانوان در رده‌های تصمیم‌گیری و مدیریت معترضم چرا که اغلب انتصاب‌های مدیریتی ما مبتنی بر لابی‌های صرفاً سیاسی و مردانه است و قدرت در یک دایره چرخان سرگردان دست به دست می‌شود منتها به این نکته توجه کنید که «با الگوی غرب، برای شرق نسخه نپیچیم.» منظورم از غرب و شرق جغرافیا نیست، فرهنگ است، آداب و رسوم است. باورهای اعتقادی است و قس علی هذا.

آینده‌پژوهان و برنامه‌ریزان حاذق بر اساس سه رکن شرع، قانون و عرف اجتماعی هر جامعه‌ای، چشم‌انداز و برنامه می‌نویسند. لذا اشتغال زن باید در خدمت نهاد خانواده باشد، نه در تعارض و تقابل با آن. اشتغال زن وقتی ارزشمند است که آمار کار کیفی بالایی را به خود اختصاص دهد، نه افزایش آمار کمی تعداد زنان شاغل را. آیا به واقع در کشورهای مد نظر شما، اشتغال زنان با این محتوا سنجش و ارتقا یافته است؟! حتی به تازگی در همین کشورها خانم نخست‌وزیر جدید انگلیس در جلسه معارفه خود به نابرابری حقوق زنان و مردان اعتراض کرد. به طور مثال کشور سوئد از نظر ارتقای حقوق زن در جهان حائز رتبه برتر و نسبت حقوق زنان به مردان ۹۰ به ۱۰۰ است، ولی با اندکی پژوهش درمی‌یابید که آمار کار کیفی زنان در مشاغل مدیریتی و تصمیم‌سازی این کشور نیز، کماکان در جایگاه پایینی قرار دارد. مثلاً فکر می‌کنید در انقلاب صنعتی که اولین خیزش «برون‌رفت زن» از خانه نخستین بار در انگلستان رخ داد، هدف صرفاً احقاق حقوق زنان و حفظ کرامت و شخصیت زن بود!؟ یا با نگاه نیاز به نیروی کار ارزان قیمت، از زنان در صنعت استفاده شد!؟... به هوش باشید تا شعارهای رنگین «دفاع از حقوق زنان» تحت عنوان حضور زن در محیط بیرون از خانه، با لعاب «کار» ولی با هویت «بردگی» فریب‌مان ندهد.

خانم ملک‌پور سخن پایانی شما در خصوص اشتغال زنان چیست؟

ضمن احترام ویژه برای همه مادران و خواهران و دختران عزیزم درخواست می‌کنم از نظر حقوقی و فرهنگی اشتغال زنان مورد بررسی و مداقه قرار گیرد. فرهنگ‌سازی صحیح و بهادادن به حضور زن در محیط خانه و خانواده، تأکید بر اهمیت تربیت فرزندان توسط مادران و به حساب آوردن خانه‌داری در زمره مشاغل با نگاهی نو تبیین شود. بحث بیمه زنان خانه‌دار و توسعه مشاغل خانگی خاصه در بخش خدمات و با توجه به ابزار مدرن مجازی و عنایت به باسوادی زنان جامعه امروز مورد بازنگری قرار گیرد. توجه اکید مسئولان و برنامه‌ریزان به تأمین معاش زنان بی‌سرپرست یا بد سرپرست را با حفظ کرامت انسانی خواهانم. حتی پیشنهاد می‌کنم برای حفظ استقلال مالی زنان می‌توان با بررسی‌های «حقوقی» بخشی از درآمد مرد را «به طور مستقیم» در قالب‌های مهریه، نفقه، اجرت‌المثل، حق خدمات در منزل و امثالهم که یقیناً نیازمند بررسی‌های کارشناسانه حقوقی و مدنی است، به حساب بانوان واریز کرد و موارد دیگر که نیاز به عزم جزم خبرگان زن و مرد در سطح ملی دارد.